

مولوی، شمس و روش آموزش



حمزه نودری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

مولوی شمس‌الله نودری، مدیرکل آموزش عالی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرف

مولوی شمس‌الله نودری، مدیرکل آموزش عالی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرف

بحث درباره روش آموزش و انتقال دانش همیشه اهمیت داشته و اهمیت آن امروز بیشتر شده است. بحث اصلی این است که تکنیک‌های مناسب برای آموزش و انتقال دانش کدام است. به نظر می‌رسد تجربه‌ای که مولوی، شاعر، عارف و اندیشمند بنام ایرانی، در این زمینه از سر گذرانده است، جالب و درخور توجه باشد. روش مولوی در انتقال دانش قبل از آشنایی با شمس با بعد از آشنایی با ایشان متفاوت می‌شود. قبل از این آشنایی، روش تدریس مولوی به اصطلاح امروز خشک، غیرمعطف و معطوف به سخنرانی است. مولوی هرچند از نظر علم و استادی بالاتر از شمس بود اما چنان‌که خودش هم معترف است، شور و نشاط و انرژی فراوان را از هم‌نشینی با شمس آموخت. او از شمس آموخت که جدیت بیش از حد در تدریس و انتقال معارف کارساز نیست و دانش را با بهره‌گیری از شور و شوق و احساس بهتر می‌توان منتقل کرد. مولوی شور و انگیزه فراوانش را پس از آشنایی با شمس چنین می‌گوید:

مرده بدم، زنده شدم، گریه بدم خنده شدم/ دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم گفت که سرمست نه‌ای، رو که از این دست نه‌ای/ رفتم و سرمست شدم وز طرب آکنده شدم

کسی که از دیدن کلاس، مدرسه و دانشگاه سرمست نمی‌شود و عاشق آموزش و انتقال آن نیست یا با زور بی‌حوصلگی مشغول این کار است، به قول مولوی از این دست نیست. باید برود و هر وقت عاشق آموزش و تدریس بود، برگردد. موقع تدریس و آموزش باید سرمست بود و از طرب آکنده، یعنی پرشور و شوق به کلاس رفت.

مولوی متأثر از شمس از تکنیک‌های متعددی برای آموزش بهره می‌برد...

یادداشت

تدبیری برای پسابر جام بی‌فرجام



غلامرضا نظربلند

تحلیلگر

برجام هم به سر آمد و فرجام بدی به دنبال آورد. در این بدفرجامی همه دست‌اندرکاران بازگیری کردند و نقش آفریدند. برجام نه یک‌شبه خلق شد و نه زادرز او ۱۰ سال پیش در چنین موقعی بود. اگر نگوئیم برجام روزی چشم به جهان گشود که برنامه هسته‌ای ایران کلید زده شد، عمری کوتاه‌تر از بیست‌وچند سال هم نمی‌توان برای آن قائل شد. آغاز این عمر همان زمانی است که برنامه مزبور فاش شد و البرادعی در مقام مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وقت راهی تهران شد تا آنچه را به او گزارش شده بود، خود مشاهده و گزارش کند. در بازه زمانی نزدیک به این یک ربع قرن پنج دولت مختلف با گرایشات گوناگون بر سر کار آمده و هر کدام به فراخور حال در رقم‌زدن برجام و پسابرجام نقش آفریده‌اند. بدون آنکه بخواهیم وارد بحث ارزش‌گذاری شویم و حاکمیت و دولتی را مقصر یا مبرا بدانیم، واضح است که در این وادی عنصر مسئولیت مشترک متوجه همگان است و پاسخ‌گویی، ضرورت تام دارد. مطالبه پاسخ‌گویی باید ناظر به چرایی و چیستی مواردی که در زیر به بعضی از آنها اشاره شده است، باشد:

- فلسفه وجودی برنامه هسته‌ای و چرایی افشای آن
- شکست مذاکرات سعدآباد
- احواله پرورنده هسته‌ای ایران از شورای حکام آژانس به شورای امنیت
- سهل‌انگاری در مواجهه با قطع‌نامه‌های آن شورا علیه کشورمان و کاغذپاره انگاشتن آنها
- خالی‌بودن خزانه در زمان شروع مذاکرات ایران با پنج به‌علاوه یک
- گنج‌اندن بندی ناظر به برگشت قطع‌نامه‌های علیه ایران در چارچوب برنامه راهبردی جامع اقدام مشترک (موسوم به مکانیسم ماشه)
- بی‌تعصیب‌گذاشتن آمریکا از مزایای اقتصادی برجام

۶ ربيع الثاني ۱۴۴۷
۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵
سال بیست و دوم
شماره ۵۲۱۵
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:
هشدار درباره ضعف‌های مدیریت و مراقبت در مراکز ترک اعتیاد
شهرداری تهران • «شرق» از قمار دیپلماتیک اروپا برای بازگشت قطع‌نامه‌ها علیه ایران گزارش می‌دهد

مجلس در برابر خروج از NPT و تغییر دکترین هسته‌ای تدبیر کرد

طرح تندروها برگشت خورد

گزارش تشریک را در صفحه ۲ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۴ بخوانید

احداث سدهای متعدد روی رودخانه‌های مشترک ایران و افغانستان و ایجاد مسیرهای انحرافی آب از سوی طالبان، تنش آبی شرق کشور را تشدید کرد

تنگی نفسِ رودخانه‌های شرقی

یک قاب تجربه

گذشته را نمی‌توان تغییر داد، اما آینده را می‌توان ساخت



جلیل سازگارنژاد

میزان هزینه‌های تحمیل‌شده به کشورهای نظیر ویتنام نیست. بنابراین در شرایطی که مسئولان عالی‌رتبه کشور پدیده نه جنگ و نه صلح را به درستی به مصلحت ایران نمی‌دانند و از آثار زیان‌بار توقف کامل موتور اقتصاد کشور مطلع هستند و طبیعتاً رویکرد جنگ هم گزینه منطقی و عقلانی نیست، گام‌نهادن در مسیر صلح و تعامل با دنیا با روشی که بتواند هم ایران را از خطر جنگ دور کند و هم حفره خطرناک نه جنگ و نه صلح را پر کند، ضرورتی انکارناپذیر است که تحقق آن متوجه مسئولان اصلی تصمیم‌گیر و تأثیرگذار در سیاست خارجی است. این جمله طلاییِ چوئن لای (که از بزرگان دیگری هم نقل شده) «گذشته را نمی‌توان تغییر داد اما آینده را می‌توان ساخت» باید این‌گونه تفسیر کرد و نتیجه گرفت که امکان تغییر گذشته وجود ندارد اما برای ساختن آینده باید و می‌توان در سیاست‌ها، روش‌ها و برنامه‌های گذشته که به مسیرهای بن‌بست منتهی شده، تجدیدنظر اساسی کرد و با ایده‌ها و سیاست‌های نوین و خلاقانه که از جمله وظایف بنیادین مسئولان و رهبران کشور است، ایران را به سوی تعامل، صلح و سازش شرافتمندانه رهنمون کرد.

یادداشت

شرایط دشوار کشور و مصالح ملی



احسان هوشمند

همان‌گونه که پیش‌بینی شده بود، پس از رد قطع‌نامه پیشنهادی چین و روسیه در شورای امنیت سازمان ملل، ایران با شرایط پیچیده و تازه‌ای از مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای مواجه شده است. شرایط جدید پیامدهای داخلی پیش‌بینی‌شده و پیش‌بینی‌ناشده‌ای هم در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی در پی خواهد داشت. اثرات و پیامدهای این وضعیت پیچیده و دشوار زمانی بیشتر معنادار می‌شود که توجه شود امروزه کشور با مسائل مزمن و ساختاری قابل‌توجهی روبه‌روست. استمرار چند دهه‌ای تورم دورقمی یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که ابعاد اجتماعی و اقتصادی قابل‌توجهی در پی داشته است. چالش‌های دیگری همچون بی‌ثباتی نرخ ارز، کاهش ارزش پول ملی، بیکاری نسل جوان، مشکلات زیست‌محیطی، بحران آب، آلودگی هوا و مشکلات بخش مسکن به‌ویژه برای جوان‌ترها از جمله مسائل حوزه اقتصادی است که خود پیامدهای اجتماعی و فرهنگی دیگری داشته و دارد. اکنون که کشور وارد دوره جدیدی از فعال‌شدن تحریم‌های پیشین شورای امنیت سازمان ملل شده است، برای مواجهه با شرایط جدید باید تمام ارکان اداره کشور گذر خردمندانه و کم‌هزینه‌ا شرایط موجود را به عنوان مهم‌ترین وظیفه نظام حکمرانی سرلوحه فعالیت‌ها و اقدامات خود قرار دهند. ابتدایی‌ترین اقدام در این حوزه استفاده از ظرفیت‌های کارشناسی و علمی کشور برای پیش‌بینی سناریوهای پیش‌روی کشور در حوزه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. به سخن دیگر ابتدا باید روشن کرد چه سناریوهایی در شرایط کنونی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی قابل پیش‌بینی است، چرا ممکن است که کشور با چنین سناریوهای احتمالی مواجه شود؟ ابعاد هر یک از سناریوهای محتمل چیست؟ و در صورت وقوع هر سناریو باید منتظر چه عواقب و پیامدهایی بود؟ همچنین باید مدلی جامع طراحی کرد که برای اینکه سناریوهای بدبینانه محقق نشود، هر بخشی از نظام حکمرانی باید چه کند و البته چه نکند. اگر نظام اداره کشور تنها به یک بخش یا بخش‌هایی از مسائل پیش‌روی کشور متمرکز شود و وقت، انرژی، توان و ظرفیت‌های کشور را صرف تنها یک یا چند حوزه محدود کند، ممکن است کشور با

دیپلماسی خلاق و هوشمندانه، مذاکره و گفت‌وگو، صلح و سازش، تعامل و ترک تخصص همگی از دیگر جلوه‌های واقعی مقاومت است. همان‌گونه که در تاریخ اسلام شاهدیم و بارها از عالمان دینی شنیده‌ایم که سکوت حضرت امیر، صلح امام حسن، قیام امام حسین و پذیرش ولایت‌عهدی امام رضا و... همگی متناسب با شرایط زمان و مکان برای مصلحت دین خدا و امت صورت گرفته و نمایش راستین یک حقیقت بوده است. امروز هم ایران عزیز ما نیازمند عزم و اراده مصمم مسئولان و متولیان امور است که برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و امنیت ملی و همبستگی میهنی با انجام اصلاحات ساختاری در کشور و تجدیدنظر در سیاست خارجی که میدان تدبیر است، صلاح و فلاح ملک و ملت را رقم زنند؛ بنابراین در چنین شرایطی باید با اولویت‌بندی خواسته‌ها و نیازهای اصلی کشور و توازن آن با توانایی‌های ملی تصمیم‌گیری کرد. بدیهی است نمی‌توان به صورت هم‌زمان به تمامی نیازهای خود در شرایط دشوار و پیچیده روبه‌رو دست یافت، بنابراین علاوه بر تجدیدنظر در سیاست‌ها باید دست به انتخاب زد و با انتخاب گزینه‌های مهم‌تر و حیاتی‌تر، مسیر کشور را با عبور از دره پرخطر کنونی که با اسنبک و بازگشت تحریم‌ها دشوارتر شده هموار کرد. دیپلماسی باید در اوج دشمنی روزنه‌ای برای صلح جست‌وجو کند و در میانه تاریکی و تخصص طرحی نو دراندازد و کشور را از بن‌بست خارج کند، سخن را با این جمله کیسینجر به پایان می‌برم که به یکی از دانش‌جویان ایرانی خود گفت که «ایران برای نجات خود باید یک موضوع مهم و یک آرمان خودش را در منطقه خاورمیانه ignore کند»؛ این راه‌حل است، لطفاً به آن فکر کنیم.

- آزمون‌شده بسنده کرد. سرنوشت کشور و مصالح ملی ایجاب می‌کند که مسئولانه برای آینده ایران عزیز اندیشید.
- مهم‌ترین بخش هر نوع طراحی سیاسی توسط نظام حکمرانی در مواجهه با شرایط پیچیده و حساس امروز، قرارگرفتن رضایت اکثریت شهروندان با لحاظکردن منافع ملی در کانون توجهات حکمرانی است.
- مدیریت اختلافات سیاسی داخلی و تلاش برای ایجاد فضای مثبت و امیدبخشی از رقابت سیاسی و محدودکردن افراطی‌هایی که بر طبل رودررویی کشور و حتی جنگ‌طلبی می‌کوبند. آیا شنیدن چند صدای مختلف از بخش رسمی کشور به نفع مصالح کشور است؟ شنیدن صدای متفاوت در موضع ایورزیسویی برای کشور قوت است اما شنیدن صدا‌های مختلف از نظام حکمرانی برای کشور سم مهلک است.
- مدیریت متمرکز و واحد عرصه دیپلماسی کشور و مقیدکردن همه ارکان اداره کشور و همه مسئولان لشکری و کشوری و منبرها و تریبون‌ها که به جز مواضع رسمی کشور، موضع‌گیری مخالف یا مغایر با سیاست‌های رسمی کشور حتی در مناطق دوردست گرفته نشود. ارائه طرح‌های ابتکاری تازه و افزایش تماس دیپلماتیک با دیگر کشورهای مؤثر جهان از اسکاندیناوی تا شرق دور و آفریقا و کشورهای عربی و همسایگان.

نشست اقتصادانات و ظرفیت‌های سنجش تأثیر سیاست‌ها و طرح‌های دولتی دروزارت تعاون برگزار شد

سنجش تأثیر در ایران فراتر از شکست‌های قبلی



برگزیده‌ها

فرار روبه جلو و گریز مزمن از پاسخ‌گویی درباره قطع‌نامه‌ها و کرسنت

جلیلی تن به مناظره خواهد داد؟!

گزارش «شرق» از جزئیات صدور کیفرخواست علیه مدیر منابع طبیعی مازندران و مدیر مجموعه گردشگری «الیمالات»

از آیفون پرومکس تا فاکتورهای تقلبی

عقب‌نشینی وزارت بهداشت از راه‌اندازی سامانه کنترل پلتفرم‌های توزیع دارو

الگوریتم جایگزین سامانه دولتی

روسیه با تحریکات تدریجی در پی آزمودن اراده ناتو و شکستن انسجام آن است

بازی پنهان کرملین

نگاه

آموزش غیرانتفاعی دفاع یا مقابله؟

یادداشتی از بابک زمانی

یادداشت

آیا باز هم به ایران حمله نظامی می‌شود؟



عمادالدین باقی

ایس روزها در کوچه و خیابان، هرکسی که می‌بینید و می‌شناسید تا محفل‌های دوستانه، همه جا یک پرسش مطرح می‌شود: آیا به ایران حمله می‌کنند؟ بعضی هم حمله را مفروض گرفته و می‌پرستند کی حمله می‌شود؟ در پایه دلایل زیادی باورم این است که آمریکا و اروپا تحت تأثیر حاکمیت لابی صهیونیستی در هر صورت دنبال فعال‌کردن مکانیسم ماشه و تشدید فشار علیه ایران بودند. حتی جمهوری اسلامی در تمام دوران حیاتش برای اولین بار در ماه‌های گذشته انواع اعطاف‌ها را به خرج داده اما آنها (چه به دلیل بی‌اعتمادی به سیستم در ایران و چه به دلایل دیگر) بسا بهانه‌هایی این فرصت‌ها را رد کردند و خواسته‌های زیاده‌طلبانه جدیدی مطرح کردند.

تا اینجای کار عجیب و غیرمنتظره نبود. آنچه عجیب است، نحوه مواجهه مسئولان در برابر چنین سناریوی از پیش نوشته‌شده‌ای است که گام به گام اجرا شده و با حمله نظامی و بمباران و مذاکره فریب‌کارانه و جنگ روانی و تبلیغاتی پستیبنانی شده است. در مقابل آنها، تنها کارتی که برای نجات ایران در دست داریم، فقط مردم و پشتیبانی ملی است. من نگران حمله نظامی آمریکا و اسرائیل نیستم. در این جنگ تبلیغاتی که به راه انداخته‌اند، می‌گویند آسمان ایران در اختیار آمریکا و اسرائیل است، این تبلیغات نیاز روانی داخلی و منطقه‌ای اسرائیل را می‌توان گویند. جنگ ۱۲ روزه نشان داد مقابلاً آسمان اسرائیل هم در اختیار ایران است و هر روز و هر ساعتی که اراده کند، می‌تواند موشک باران کند.

این گزارش را در صفحه ۴ بخوانید

این گزارش را در صفحه ۴ بخوانید